Journal of Islamic Management

Journal homepage: www.imj.ihu.ac.ir

Islamic Governance within the Framework of Wilayat al-Fagih: Scientific Feasibility and the Application of Scientometric Studies

Abolfazl Mohammadi[1] | Marziyeh Bakhtiyari[*2]

1. Associate Professor, Faculty of Management and Economics, Imam Hossein Comprehensive University, Tehran, Iran. Email: abdemotlagh@gmail.com
2. PhD Student in Pure Governance, Department of Governance, Shahid Beheshti Graduate School of Governance, Supreme National Defense University, Tehran, Iran. Email: marziyeh.bakhtiyari@gmail.com

Volume info

Vol. 34
Series: 1
SPring 2026

Article Type

Research Paper

Article History

Received:
30 March 2025
Revised:
02 October 2025
Accepted:
29 August 2026
Published:
20 October 2026

ISSN – E-ISSN

ISSN: 2251-6980
E-ISSN: 2645-5234

Abstract

Purpose: The theory of "Wilayat al-Fagih," as one of the foundational principles of Islamic governance, has had a significant impact on political, economic, social, cultural, and religious developments in Islamic societies.

Methodology: This study aims to examine the theoretical and practical dimensions of this concept and identify its challenges and opportunities from the perspectives of bibliometrics, scientometrics, and qualitative content analysis. To this end, scientific documentation related to the theory of "Wilayat al-Fagih" between 1996 and 2024 was analyzed using BibExcel and VOSviewer software, uncovering the main research trends and networks of scientific collaboration in this field. Subsequently, in the qualitative content analysis section, data were examined using a three-phase coding method and MAXQDA2020 software to identify key concepts and theoretical and practical frameworks associated with this theory.

Findings: Based on this, the research findings are presented in five main axes. First, the theory of "Wilayat al-Fagih," rooted in Islamic theoretical and jurisprudential foundations, has succeeded in establishing its position in modern politics and provided a framework for governance in Islamic societies. Second, in the axis of ideological resistance, this theory leads Islamic resistance movements, offering an effective model in confronting global hegemonies. Third, the analysis of governance structures and practical challenges shows the capacity of this theory to respond to theoretical critiques through ideological tools and practical mechanisms. Fourth, the combination of jurisprudential traditions with the requirements of modernity highlights the flexibility of "Wilayat al-Fagih" in strengthening social justice, democracy, and the rule of law. Fifth, the role of elites and development strategies emphasizes the importance of scientific and religious participation in strengthening and expanding Islamic governance and linking this theory with international governance systems.

Research limitations: Finally, this study suggests that future research should address the comparative adaptability of this theory with other governance systems and the impact of elite collaboration on the expansion of Islamic governance.

Keywords: Islamic Governance, Wilayat al-Faqih, Scientometrics.

Cite this Paper: Mohammadi'A, & Bakhtiyari'M.(2026). Islamic Governance within the Framework of Wilayat al-Fagih:Scientific Feasibility and the Application of Scientometric Studies. Journal of Islamic Management. 34(1), 217-252. **DOR: 20.1001.1.22516980.1405.34.1.1.8**

Publisher:
Imam Hossein University.

©
The
Author(s).

مدیریت اسلامی
Journal homepage: www.imj.ihu.ac.ir

حکمرانی اسلامی در چارچوب ولایت فقیه امکان‌سنجی علمی و کاربرد مطالعات علم‌سنجی

ابوالفضل محمدی[1] | مرضیه بختیاری*[2]

۱. دانشیار، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه جامع امام حسین(علیه‌السلام)،تهران،ایران
Email: abdemotlagh@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری حکمرانی محض، گروه حکمرانی، مدرسه عالی حکمرانی شهید بهشتی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران
Email: marziyeh.bakhtiyari@gmail.com

سال و شماره
سال ۳٤ ، شماره: ۱
بهار ۱٤۰۵

نوع مقاله
مقاله پژوهشی

سابقه مقاله
تاریخ دریافت: ۱٤۰٤/۰۱/۱۰
تاریخ بازنگری: ۱٤۰۵/۰۷/۱۰
تاریخ پذیرش: ۱٤۰۵/۰۶/۰۷
تاریخ انتشار: ۱٤۰۵/۰۷/۲۸

شاپا چاپی و الکترونیکی
شاپا چاپی: ۶۹۸۰-۲۲۵۱
الکترونیکی: ۵۲۳٤-۲۶٤۵

چکیده

هدف: نظریه ولایت فقیه به‌عنوان یکی از اصول بنیادین حکمرانی اسلامی، تأثیری برجسته بر تحولات سیاسی،اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و دینی در جوامع اسلامی داشته است. این پژوهش با هدف بررسی ابعاد نظری و عملی این مفهوم از منظر کتاب‌سنجی،علم سنجی و تحلیل محتوای کیفی انجام شده است.

روش پژوهش: ابتدا، مستندات علمی مرتبط با نظریه ولایت فقیه در بازه زمانی ۱۳۷۵ تا ۱٤۰۳ با استفاده از نرم‌افزارهای BibExcel و VOSviewer تحلیل گردید که روندهای اصلی تحقیقات و شبکه‌های همکاری علمی در این حوزه را آشکار کرد. سپس، در بخش تحلیل محتوای کیفی، داده‌ها با روش کدگذاری سه‌مرحله‌ای و استفاده از نرم‌افزار MAXQDA2020 مورد بررسی قرار گرفت تا مفاهیم کلیدی و ساختارهای نظری و عملی مرتبط با این نظریه شناسایی شود.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش در پنج محور اصلی ارائه شد. نخست، نظریه ولایت فقیه، با ریشه در مبانی نظری و فقهی اسلام، توانسته است جایگاه خود را در سیاست مدرن تثبیت کند و چارچوبی برای حکمرانی در جوامع اسلامی فراهم آورد. دوم، در محور ایدئولوژی مقاومت، این نظریه با هدایت جنبش مقاومت اسلامی، الگویی موثر در مقابله با سلطه‌جویی‌های جهانی ارائه می‌دهد. سوم، تحلیل ساختارهای حکومتی و چالش‌های اجرایی بیانگر ظرفیت این نظریه در پاسخ‌گویی به نقدهای نظری از طریق ابزارهای ایدئولوژیک و سازوکارهای عملی است. چهارم، تلفیق سنت‌های فقهی با الزامات مدرنیته نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری نظریه ولایت فقیه در تقویت عدالت اجتماعی، مردم‌سالاری و حاکمیت قانون است. پنجم، نقش نخبگان و استراتژی توسعه بر اهمیت مشارکت علمی و دینی در تقویت و بسط حکمرانی اسلامی و پیوند این نظریه با نظام‌های حکومتی بین‌المللی تأکید دارد.

نتیجه‌گیری: در نهایت، این پژوهش پیشنهاد می‌دهد که تحقیقات آینده به ظرفیت تطبیقی این نظریه در سایر نظام‌های حکومتی و تأثیر همکاری نخبگان بر گسترش حکمرانی اسلامی پرداخته شود.

کلیدواژه‌ها: حکمرانی اسلامی،ولایت فقیه،علم سنجی.

استناد: محمدی؛ ابوالفضل، بختیاری، مرضیه.(۱۴۰۵). حکمرانی اسلامی در چارچوب ولایت فقیه امکان‌سنجی علمی و کاربرد مطالعات علم‌سنجی؛ مدیریت اسلامی؛ ۳۴(۱)؛ ۲۵۲-۲۱۷. DOR: 20.1001.1.22516980.1405.34.1.1.8

OPEN ACCESS

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین(ع)

© نویسندگان.

مقدمه

یکی از مباحث کلیدی و چالش برانگیز بعد از انقلاب اسلامی ایران،نوع حاکمیت و نحوه اداره جامعه است(علیخانزاده و همکاران،۱۴۰۱ :۱۲). در این راستا حکمرانی اسلامی به‌عنوان یکی از محورهای پایه‌ای نظریه‌های سیاسی در اسلام، بر اصول و آموزه‌های شرعی و هدایت الهی استوار بوده و تلاش دارد تا ارتباطی میان ارزش‌های دینی و سیاست‌گذاری و حکمرانی برقرار کند(اخوی[1]، ۱۹۹۶: ۲۲۹؛ چهابی[2] و اسچیرازی، ۲۰۱۲: ۱۸۳؛ حکیم[3]، ۲۰۱۸: ۱۴۷). نظریه «ولایت فقیه»، در این زمینه، به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین چارچوب‌های نظری نظام حکمرانی اسلامی شناخته می‌شود که بر مبنای سرپرستی فقیه جامع‌الشرایط شکل گرفته است. این نظریه نه‌تنها تأکید دارد که فقیه باید دانش دینی و اجتهاد لازم داشته باشد، بلکه بر لزوم فهم دقیق از زمان، مکان و نیازهای اجتماعی در مدیریت جامعه اسلامی تأکید می‌کند(الکساندر[4]، ۲۰۱۷: ۸۹؛ شاربروت[5]، ۲۰۲۰: ۳۷؛ موانی[6]، ۲۰۱۱: ۸۱۰).

یکی از ویژگی‌های مهم نظریه ولایت فقیه، تلاش برای ایجاد پیوند میان مبانی نظری اسلامی و چالش‌های عملی حکمرانی مدرن است (کادهیم[7]، ۲۰۱۰: ۸۵؛ حرب و لیندرز[8]، ۲۰۰۵: ۱۸۸؛ براورز[9]، ۲۰۱۲: ۲۶). این نظریه بر اساس عقلانیت اسلامی، نقل‌های دینی و تجربه‌های تاریخی شکل گرفته و به‌عنوان یک الگوی جامع حکمرانی با هدف دستیابی به عدالت، حکمرانی مشروع و تحقق مصالح عمومی ارائه شده است (باکر[10]، ۲۰۲۳: ۱۵۵؛ مائوریلو[11]، ۲۰۱۹: ۴۹۶). در عین‌حال، تأمین مشروعیت، مقبولیت و کارآمدی این نظریه در جوامع امروزی، مستلزم توانایی تطبیق آن با نیازهای متنوع اجتماعی و تغییرات جهانی است (ساعولی[12]، ۲۰۱۴: ۹۵؛ شاناهان[13]، ۲۰۱۷: ۲۱۵؛ ایزرائیلی[14]، ۲۰۱۷) .

1. Akhavi
2. Chehabi& Schirazi
3. Hakim
4. Alexander
5. Scharbrodt
6. Mavani
7. Kadhim
8. Harb & Leenders
9. Browers
10. Bakir
11. Mauriello
12. Saouli
13. Shanahan
14. Israeli

امروزه، نظریه ولایت فقیه نه‌تنها به‌عنوان یک الگوی دینی در بسیاری از جوامع اسلامی مورد بحث قرار گرفته است (حکیم[1]، ۲۰۱۸: ۱۴۷؛ زریک، یزدانی و کابا-ماریا[2]، ۲۰۲۴: ۳۷۲)، بلکه چالش‌های مرتبط با سازگاری آن با تحولات سیاسی مدرن و شرایط اجتماعی معاصر مورد توجه پژوهشگران قرار دارد (موانی[3]، ۲۰۱۳: ۲۱۰؛ الکساندر، ۲۰۱۷: ۱۰۴؛ الگار[4]، ۲۰۱۲: ۴۷). این نظریه، از یک سو، به عنوان مدل حکمرانی در راستای هدف‌های دینی و عدالت اجتماعی شناخته می‌شود و از سوی دیگر، به‌طور مداوم در برابر پیچیدگی‌های جهانی‌شدن، تغییرات فرهنگی و فشارهای اجتماعی امتحان می‌شود(چهابی و اسچیرازی ، ۲۰۱۲: ۱۸۳؛ آرمینجون[5]، ۲۰۱۰: ۲۱۲؛ مائوریلو[6]، ۲۰۱۹: ۴۹۶).

در کنار تحلیل نظری، ارزیابی عملی این نظریه نیز از اهمیت بالایی برخوردار است(الرکابی[7]، ۲۰۱۲: ۲۵۱؛ شاربروت[8]، ۲۰۲۰: ۱۰). یکی از محورهای مهم آن، بررسی قابلیت‌های ساختاری ولایت فقیه در پاسخ به نیازهای واقعی جامعه و ارتقا کارآمدی حکمرانی است.بر این اساس این بررسی می‌تواند نگاهی جامع‌تر نسبت به نقاط قوت و ضعف، ظرفیت‌های اجرایی، و زمینه‌های مسئله‌ساز در این نظریه ارائه دهد(براورز[9]، ۲۰۱۲: ۲۶؛ ساعولی[10]، ۲۰۱۴: ۹۸) .

از سوی دیگر، در دنیای امروز که ابزارهای تحلیل علمی و روش‌های آماری پیشرفته نقش حیاتی در مطالعه و ارزیابی نظام‌های حکمرانی ایفا می‌کنند، شناخت قابلیت‌های کاربردی نظریه ولایت فقیه از طریق معیارهای علمی و عملی، ضرورتی غیرقابل انکار است. دانش علم‌سنجی، به‌عنوان مجموعه‌ای از اصول و ابزارهای تحلیلی، می‌تواند زمینه گسترده‌ای برای بررسی میزان تحقق اهداف نظریه ولایت فقیه در عرصه‌های مختلف فراهم آورد. این روش، شرایطی ایجاد می‌کند که بتوان حکمرانی مبتنی بر ولایت فقیه را در ابعاد مختلف سیاسی،اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی مورد سنجش دقیق قرار داد، نقاط ضعف و قوت آن را مشخص کرد و از یافته‌های علمی برای ارتقای کیفیت حکمرانی استفاده نمود.

1. Hakim
2. Zreik, Yazdani, & Caba-Maria
3. Mavani
4. Algar
5. Arminjon
6. Mauriello
7. Al-R Ikabi
8. Scharbrodt
9. Browers
10. Saouli

علاوه بر این، تحلیل تطبیقی نظریه ولایت فقیه با سایر نظام‌های حکمرانی اسلامی و غیر اسلامی نیز می‌تواند به شفاف‌تر ساختن کارآمدی و انعطاف‌پذیری این نظریه در پاسخ به مشکلات معاصر کمک کند(موانی، ۲۰۱۳: ۲۰۹؛ حکیم، ۲۰۱۸: ۱۴۹). این امر نه تنها به رشد نظریه‌ها در این حوزه کمک می‌کند بلکه می‌تواند چشم‌انداز جدیدی برای بهبود عملکرد و تدوین راه‌حل‌های عملیاتی ارائه دهد.

نهایتاً، این نظریه به‌عنوان یکی از بنیادهای حکومت در جوامع اسلامی، در تلاش است تا از طریق اتصال آموزه‌های دینی به مفاهیم توسعه‌یافته مدیریتی، الگوی جدیدی برای عدالت‌طلبی و مشارکت اجتماعی ارائه کند(شاربروت، ۲۰۲۰: ۱۲؛ مائوریلو، ۲۰۱۹: ۴۹۶). با این وجود، بررسی علمی و عملی آن، نه‌تنها به فهم بهتر این مدل حکمرانی کمک می‌کند بلکه امکان‌پذیری میزان اثرگذاری آن بر تحقق اهداف جامعه اسلامی را روشن می‌سازد (آرمینجون، ۲۰۱۰: ۲۱۱؛ زریک، یزدانی و کابا-ماریا، ۲۰۲۴: ۳۷۷؛ باکر، ۲۰۲۳: ۱۵۵). در مجموع، نظریه «ولایت فقیه» به‌عنوان یکی از محورهای اساسی حکمرانی اسلامی، تلاش دارد تا میان آموزه‌های دینی، ساختارهای سیاسی و نیازهای اجتماعی پیوند برقرار کند. این نظریه نه‌تنها به چالش‌های عملی حکمرانی در جهان امروزی پاسخ می‌دهد، بلکه با بهره‌گیری از اصول شرعی و عقلانی، الگویی برای تأمین عدالت و مصالح عمومی در جوامع اسلامی ارائه می‌دهد. با این حال، توانایی نظریه ولایت فقیه در پاسخ به نیازهای متغیر اجتماعی و سازگاری با شرایط جهانی، موضوعی است که نیازمند ارزیابی دقیق علمی، عملی و تطبیقی است.بر این اساس سوال اصلی تحقیق به ترتیب زیر مطرح می شود:

سؤال اصلی تحقیق

نظریه ولایت فقیه چگونه می تواند به‌عنوان یک چارچوب علمی و عملی در حکمرانی اسلامی، معیارهای لازم برای تحقق عدالت، مشروعیت و کارآمدی را برآورده کند؟

مبانی نظری

نظریه ولایت فقیه یکی از برجسته‌ترین مفاهیم اسلامی در نظام حکمرانی جمهوری اسلامی ایران است که پس از انقلاب اسلامی به‌طور گسترده‌ای به‌عنوان چارچوب اصلی حکمرانی و اداره

امور سیاسی و اجتماعی مورد پذیرش قرار گرفت. این نظریه در فقه تشیع دوازده‌امامی جایگاه ویژه‌ای دارد و به ارائه الگویی می‌پردازد که بر اساس آن فقیه جامع‌الشرایط به‌عنوان نماینده امام معصوم (ع)، هدایت و نظارت بر امور جامعه اسلامی را بر عهده دارد. مفاهیم بنیادین این نظریه نه تنها بر اجرای احکام اسلامی، بلکه بر اهمیت تحقق عدالت اجتماعی، استقلال، و پیشرفت در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی تأکید دارند.

بنیان نظری و عملی ولایت فقیه بر اقتدار و صلاحیت فقهای عادل استوار است که به‌عنوان نگهبانان شریعت و مجریان عدالت در عصر غیبت امام معصوم (عج)، وظیفه دارند قوانین اسلامی را در جامعه اجرا کنند. این مفهوم، نگرشی عمیق به رابطه بین دین و سیاست ارائه می‌دهد و بر نقش کلیدی علمای دینی در تقویت مشروعیت و اتخاذ سیاست‌های کلان جامعه تأکید دارد. افزون بر این، نظریه ولایت فقیه به‌منظور تحقق حکومتی اسلامی طراحی شده است که بتواند ضمن حفظ ارزش‌های دینی، پاسخگوی نیازهای اجتماعی در عصر مدرن باشد . این نظریه به دنبال برقراری حکمرانی است که نه تنها قوانین اسلامی را رعایت می‌کند، بلکه با توجه به مقتضیات زمان و مکان، راه‌حل‌هایی کاربردی برای چالش‌های نوظهور اجتماعی و سیاسی ارائه می‌دهد. در واقع، ولایت فقیه با تکیه بر اصول اسلامی و پایبندی به عدالت اجتماعی، الگویی ارائه می‌کند که بر اشتراک نظر و همراهی مردم استوار است و تلاش دارد به‌عنوان یک مدل حکمرانی موفق در دنیای امروز مطرح شود .

ضرورت بررسی علمی و کاربردی ولایت فقیه

ضرورت بررسی نظریه ولایت فقیه و مطالعه علمی و کاربردی این مفهوم ناشی از عوامل زیر است که توجه به این موضوع را اجتناب‌ناپذیر می‌کند:

➢ پاسخگویی به چالش‌های نوظهور

نظام‌های اجتماعی و حکمرانی، به‌ویژه در عصر جدید، با پیچیدگی‌های متعدد و نیازهای متنوعی مواجه هستند که ارزیابی و تطبیق نظریه ولایت فقیه با این تغییرات ضروری است. این

نظریه باید نشان دهد که چگونه قابلیت پاسخگویی به تحولات اجتماعی و سیاسی معاصر را دارد و چگونه می‌تواند کارآمدی خود را در مقابل چالش‌های جدید حفظ کند.

➢ تقویت مشروعیت و مقبولیت

ایجاد اعتماد عمومی و تقویت مبانی مشروعیت و مقبولیت یکی از عوامل کلیدی در موفقیت هر نظام حکومتی است. نظریه ولایت فقیه نیازمند ارزیابی‌های علمی و ارائه شواهد عملی است تا بتواند جایگاه خود را در میان جوامع اسلامی تقویت کند و به‌عنوان نظامی مشروع و موجه شناخته شود.

➢ ضرورت ارائه الگوی جهانی حکمرانی اسلامی

در دنیای امروز که رقابت میان نظام‌های حکمرانی شدت یافته، ارائه یک الگوی موفق بر پایه ارزش‌های اسلامی اهمیت زیادی پیدا کرده است. نظریه ولایت فقیه با ترکیب اصول دینی و ابزارهای حکمرانی مدرن می‌تواند به‌عنوان مدلی عملی برای اداره جوامع اسلامی مطرح شود و همچنین قابلیت رقابت با دیگر نظام‌های حکمرانی در عرصه جهانی را نشان دهد.

➢ پیشبرد مطالعات میان‌رشته‌ای

بررسی ولایت فقیه زمینه‌ای برای تعامل میان علوم دینی، مدیریت، سیاست و دیگر حوزه‌های مرتبط فراهم می‌آورد. چنین مطالعاتی می‌تواند مسیرهایی جدید برای توسعه دانش میان‌رشته‌ای ایجاد کند و کاربردهای نظریه ولایت فقیه را در حوزه‌هایی فراتر از حوزه های دینی و مذهبی بررسی کند.

این ضرورت‌ها نشان می‌دهند که پرداختن علمی به نظریه ولایت فقیه، علاوه بر تأثیرات مستقیم بر فلسفه سیاسی و دینی، می‌تواند به ارائه راهکارهای عملیاتی و بهبود الگوهای موجود حکمرانی در جوامع اسلامی منجر شود.

بر این اساس ، این تحقیق تلاش خواهد کرد تا با بهره‌گیری از منابع علمی معتبر و تأمل در مبانی نظری ولایت فقیه، زمینه لازم را برای ارتقای این نظریه به‌عنوان یک چارچوب موفق حکمرانی اسلامی فراهم کند. این بررسی ضمن توجه به مبانی دینی این نظریه، به کاربردهای عملی آن در مسائلی مانند عدالت، امنیت و پیشرفت اجتماعی نیز پرداخته است.در ادامه به مبانی نظری تحقیق پرداخته می شود:

۱. اصول کلیدی حکمرانی اسلامی در چارچوب ولایت فقیه

حکمرانی اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه بر پایه ارزش‌هایی همچون **عدالت اجتماعی، شفافیت، معنویت، ولایت، و مشارکت مردمی** استوار است. فقه اسلامی به‌عنوان زیرساخت حقوقی این حکمرانی، در تدوین سیاست‌ها و قوانین، اصولی بنیادین نظیر عدالت، اخلاق‌مداری، و تقویت انسجام جامعه را مورد تاکید قرار می دهد. این اصول در جهت تضمین حقوق مردم و مقابله با فساد و تمرکز قدرت طراحی شده‌اند (الگار، ۲۰۱۲: ۴۷؛ موانی، ۲۰۱۱: ۸۰۸).

۲. مفهوم و ابعاد حکمرانی اسلامی

حکمرانی اسلامی به معنای اداره جامعه بر اساس اصول دینی، اخلاقی و عدالت اسلامی است که تمامی ابعاد **سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی** را در برمی‌گیرد. ویژگی‌های کلیدی این مدل حکمرانی شامل:

- شفافیت در تصمیم‌گیری
- پاسخگویی نهادها
- مشارکت مردمی و عدالت اجتماعی

می‌باشد. در این ساختار، اقتصاد اسلامی نیز جزیی حیاتی محسوب می‌شود و در قالب اهداف بزرگ‌تر حکومت دینی، به استقلال، عدالت اقتصادی، و کاهش فقر توجه دارد (آرمینجون، ۲۰۱۰: ۲۱۲؛ الکساندر، ۲۰۱۷: ۹۰).

۳. مفهوم و ابعاد ولایت فقیه

ولایت فقیه به معنای سرپرستی جامعه توسط فقیه جامع‌الشرایط، یکی از نظریه‌های محوری شیعه است. این نظریه بر ارتباط نزدیک میان دین ،حکمرانی و سیاست تأکید دارد و محور هدایت جامعه در ابعاد مختلف محسوب می‌شود.

ابعاد ولایت فقیه:

- **بعد دینی-فقهی:** اجرای قوانین اسلامی و نظارت بر آنها بر اساس آموزه‌های دینی.
- **بعد سیاسی:** هدایت تصمیمات کلان حکومتی و حفظ انسجام جامعه اسلامی در تعاملات داخلی و خارجی.
- **بعد اجتماعی:** نظارت بر مسائل عمومی مردم و مقابله با چالش‌های اجتماعی.
- **بعد فرهنگی:** آموزش و ترویج ارزش‌های اسلامی در جامعه.
- **بعد اقتصادی:** تنظیم و نظارت بر سیاست‌های اقتصادی در راستای کاهش فقر، عدالت اقتصادی و خودکفایی.

ولایت فقیه نه‌تنها به ارائه چارچوب‌های شرعی در اقتصاد اسلامی می‌پردازد، بلکه نقش رهبری در سیاست‌های کلان اقتصادی و نظارت بر توزیع منابع عمومی را نیز بر عهده دارد(موانی، ۲۰۱۳: ۸۸؛ الکساندر، ۲۰۱۷: ۱۵۴؛ حکیم، ۲۰۱۸: ۴۱).

٤. جایگاه ولایت فقیه در حکمرانی اسلامی

ولایت فقیه به‌عنوان نهاد اصلی نظام جمهوری اسلامی ایران، جایگاه برجسته‌ای در حکمرانی اسلامی دارد. ولی فقیه از طریق نظارت، هدایت و تصمیم‌گیری کلان، سه حوزه اصلی (سیاسی، اجتماعی و اقتصادی) را تنظیم می‌کند.

- در حوزه اقتصادی، ولایت فقیه تلاش می‌کند تا از طریق هماهنگی میان قوای حکومتی، اقتصاد اسلامی را در مسیر عدالت، استقلال و رفاه عمومی هدایت کند.
- در شرایط بحرانی مانند تحریم‌ها، نقش ولی فقیه در تثبیت سیاست‌های کلان و حمایت از اقشار آسیب‌خوردهٔ جامعه بسیار مهم است (ایزرائیلی، ۲۰۱۷ ؛ شاناهان، ۲۰۱۷: ۲۰۲) .

ولـی فقیـه در دوران غیبـت امـام معصـوم (ع) بـه‌عنـوان نماینـده ولـی خـدا، هـادی امـور جامعـه بـه سـمت تحقـق اهـداف دینـی و پاسـخگویی بـه نیازهـای دنیـوی مـردم محسـوب می‌شود(کادهیم[1]، ۲۰۱۰: ۸۵؛ ساعولی، ۲۰۱۴: ۹۹).

۵. عدالت و مشارکت مردمی در حکمرانی اسلامی

دو محور اصلی حکمرانی اسلامی، **عدالت اجتمـاعی** و **مشـارکت مردمـی** مـی باشـند. عدالت اجتماعی به معنای توزیع عادلانه منابع و فرصت‌ها و مشارکت مردمی در تصمیم‌گیری‌های کلان است.

- **عـدالت اقتصـادی:** ولـی فقیـه سیاسـت‌هـایی را ارائـه و بـر آنهـا نظـارت مـی‌کنـد کـه توزیـع منـابع و فرصـت‌هـا را عادلانـه انجـام دهـد و شـکاف طبقـاتی را کـاهش دهـد. ایـن عـدالت در توزیـع منـابع طبیعـی و حمایـت از اقشـار ضـعیف نمـود پیـدا مـی‌کنـد(حرب و لیندرز، ۲۰۰۵:۱۷۴؛ کوربان، ۲۰۱۰:۵۷).
- **مشـــارکت مردمـــی:** حضـور مـردم در سـاختارهای تصـمیم‌گیـری و نظـارت بـه مشـروعیت نظـام حکـومتی افـزوده و بسـتری بـرای تقویـت شـفافیت و پاسـخگویی ایجـاد می‌کند(چهابی و اسچیرازی، ۲۰۱۲: ۱۸۳؛ زریک و همکاران، ۲۰۲۴: ۳۷۲).

بر این اساس حکمرانی اسلامی در چارچوب **ولایت فقیه**، مدلی جامع و چندبعدی است کـه تلاش می‌کند از منظر عدالت اجتماعی، مشارکت مردمی و اصـول دینـی، زنـدگی مـردم را بهبـود بخشد. بعد اقتصادی در این مدل، از اهمیتی ویژه برخوردار است و تنظیم سیاست‌ها در جهت رفـاه عمومی، استقلال اقتصادی و عدالت را برعهده دارد. ولایت فقیه با نظارت دقیق و هدایت صـحیح، ساختارهای اقتصادی و اجتماعی را در کنار اهداف معنوی و فرهنگی رشد می‌دهد. بررسی علمـی این مبانی به منظور اثبات کارآمدی، رفـع محـدودیت‌هـا و توسـعه کاربردهـای عملـی آن، گـامی

1. Kadhim

اساسی در پیشبرد پژوهش‌های مرتبط با نظام حکمرانی اسلامی است.در نمودار ۱ مبانی نظری حکمرانی در چارچوب ولایت فقیه ارائه شده است:

مبانی نظری حکمرانی اسلامی

اصول کلیدی حکمرانی اسلامی

| عدالت اجتماعی | مشارکت مردمی | حقوق بشر | شفافیت | رعایت اخلاق |

مفهوم و ابعاد حکمرانی اسلامی	**جایگاه ولایت فقیه در حکمرانی اسلامی**
- مدیریت بر اساس اصول دینی	- تاکید بر فقیه جامع‌الشرایط
- قوانین و سیاست‌های منطبق با شریعت	- نیابت از معصومان
- عدالت اجتماعی و پیشگیری از فساد	- نقش در هدایت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی

عدالت و مشارکت مردمی در حکمرانی اسلامی | پاسخ به چالش‌های معاصر

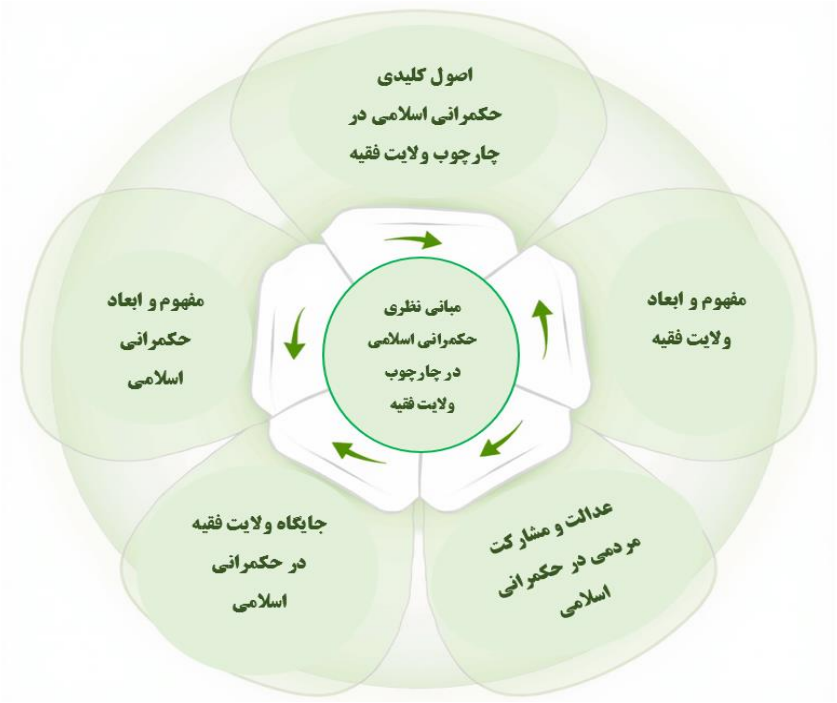
- رهبر هدایتی با مشاوره متخصصان	- رفع فساد، نابرابری و بحران‌ها
- جلب مشارکت مردم	- تحقق عدالت، توسعه پایدار
- تقویت مشروعیت و پایداری نظام اسلامی	- نقش رهبری در تحول ساختار حکومتی

جمع بندی

- ولایت فقیه، بنیان نظریه‌ای برجسته در حکمرانی اسلامی
- تطبیق اصول دینی با نیازهای جامعه
- ارائه الگوی نظام سیاسی موفق
- استفاده علمی از این نظریه جهت توسعه جوامع

نمودار(۱). مبانی نظری حکمرانی اسلامی در چارچوب ولایت فقیه

بر اساس مبانی نظری تحقیق در شکل (۱) چارچوب مفهومی تحقیق مبتنی بر مرور اسناد و مدل های موجود ارائه شده است:



شکل ۱. مبانی نظری حکمرانی اسلامی در چارچوب ولایت فقیه

پیشینهٔ پژوهش

مرور ادبیات مرتبط با ولایت فقیه و تاثیر آن بر حکمرانی اسلامی، نشان‌دهنده پیوندهای عمیق ایدئولوژیک و سیاسی بین این دو مفهوم است. تحقیقات موجود به بررسی نقش ولایت فقیه بعنوان یک نظریه حکومتی در جمهوری اسلامی ایران و تاثیر آن بر شکل‌گیری، رفتار و ایدئولوژی حکمرانی اسلامی پرداخته‌اند. در ادامه، و در جدول ۱ مرور و تحلیل تحقیقات کلیدی ارائه شده است:

این مرور ادبیات با نگاهی تطبیقی به تحقیقات ارائه شده و به ابعاد متنوع و نقش کلیدی ولایت فقیه در این زمینه پرداخته شده است.

جدول۱. خلاصه مرور ادبیات و پیشینه تحقیق

شماره	نام پژوهش	نام کامل محقق	موضوع اصلی	یافته‌ها و ملاحظات کلیدی
۱	جمهوری اسلامی ایران: قانون اساسی و ایدئولوژی	هـ ای. چهابی، اصغر شیرازی(۲۰۱۲)	بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نظریه ولایت فقیه	تاکید بر ترکیب اصول اسلامی و جمهوری‌خواهانه، مراحل تدوین قانون اساسی، و قدرت‌گیری فقها
۲	حزب‌الله، «تروریسم» و سیاست ادراک	مونا حرب، رینود لیندرز(۲۰۰۵)	بررسی سیاست‌های نام‌گذاری حزب‌الله لبنان و ناکامی در فهم پیچیدگی‌های آن	نقش «ولایت فقیه» در بسیج ایدئولوژیک جامعه شیعه لبنان، ساختارهای مقاومت و ارزش‌های مذهبی
۳	فضل‌الله و گذار نسل نجفی‌های لبنان	میشل براورز(۲۰۱۲)	مطالعه زندگی و نقش محمد حسین فضل‌الله در لبنان	مواضع مستقل فضل‌الله درباره ولایت فقیه، تأثیر او بر جامعه مذهبی و سیاسی لبنان، و همکاری او با ساختار حزب‌الله
٤	اسلام و دولت: بررسی افکار خمینی	سودارنتو عبدال حکیم(۲۰۱۸)	تحلیل اندیشه‌های سیاسی امام خمینی درباره دولت اسلامی در آثار اولیه مثل «کشف الاسرار»	شکل‌گیری ایده‌های خمینی درباره ولایت فقیه به عنوان پاسخ به حکومت دیکتاتوری رضا شاه و تحولات اجتماعی
۵	مصلحت به‌عنوان حاکمیت: مقایسه فضل‌الله و خمینی	ناخمن الکساندر(۲۰۱۷)	تحلیل تلاش‌های فکری فضل‌الله و خمینی برای تحقق حاکمیت اسلامی از طریق اصل مصلحت	تطبیق مصلحت در اندیشه سیاسی فضل‌الله و خمینی با چالش‌های اجرای حکومت اسلامی و پیوند آن با حزب‌الله
6	بازنگری مفهوم ولایت فقیه خمینی	حمید موانی(۲۰۱۳)	بررسی بحران پس از انتخابات ۲۰۰۹ ایران و تاثیر آن بر نقد نظریه ولایت فقیه	چالش‌های موجود در مورد مطلق‌گرایی نظریه ولایت فقیه در مواجهه با خواسته‌های مردمی و تلاش حزب‌الله نیز برای پاسخ به این معضلات

شماره	نام پژوهش	نام کامل محقق	موضوع اصلی	یافته‌ها و ملاحظات کلیدی
۷	شهادت: گواهی به زندگی یا مرگ؟	آنتوان کوربان(۲۰۱۰)	مفهوم شهادت در اسلام و مسیحیت و ارتباط آن با سیاست و خشونت	نقش اندیشه شهادت در انقلاب خمینی و ارتباط آن با فرهنگ مقاومت در حزب‌الله لبنان
۸	خمینی و محمد الشیرازی: بازنگری در ریشه‌های ولایت فقیه	الیور شاربروت(۲۰۲۰)	بررسی شکل‌گیری اولیه نظریه ولایت فقیه در میان شبکه‌های فقهی عراق و ارتباط آن با محمد الشیرازی	نقش و تأثیر شبکه‌های شیرازی و تقی المدرسی پیش از تبیین ولایت فقیه خمینی و انتقال این ساختار به حزب‌الله
۹	پاسخ به بروئرز: مرجعیت و ولایت فقیه	حمید الگار(۲۰۱۲)	پاسخ به تحلیل‌ها پیرامون فضل‌الله و بررسی مرجعیت و ولایت فقیه	نقد اندیشه فضل‌الله و ارائه استدلال‌هایی بر ضرورت اجرای کامل ولایت فقیه در ساختارهای مقاومتی
۱۰	ولایت فقیه پس از انقلاب: ولی فقیه در قانون اساسی و نظام جمهوری اسلامی ایران	رافائل مائوریلو(۲۰۱۹)	نقش ولایت فقیه در قانون اساسی جمهوری اسلامی و گسترش آن	تأکید بر نظم ساختاری ولایت فقیه پس از انقلاب، که الهام‌بخش حزب‌الله لبنان نیز بوده است
۱۱	باقر الصدر و دولت اسلامی: نظریه‌ای برای «دموکراسی اسلامی»	جعفر آل‌رکابی(۲۰۱۲)	تحلیل نقش محمدباقر صدر در ارائه مفاهیم جدید برای ساختار دموکراسی اسلامی	ارائه نوعی دموکراسی مشروطه در اندیشه صدر که با ساختار ولایت فقیه تطبیق دارد و تأثیر آن بر مقاومت حزب‌الله
۱۲	استقرار «رهبری فقیه» در ایران: پارادوکس‌های مدرنیته شیعی	کنستانس آرمینجون(۲۰۱۰)	تحلیل پارادوکس‌های شکل‌گیری ولایت فقیه در ایران به عنوان مفهومی ضد مدرن ولی نوآورانه	ولایت فقیه به‌عنوان نوآوری در فقه شیعی با مدرنیته دینی انطباق یافته و الگویی مهم برای ساختارهای مقاومت مثل حزب‌الله ایجاد کرده است

روش پژوهش

این مطالعه با استفاده از مرور کتاب‌سنجی به‌عنوان یکی از روش‌های اصلی علم‌سنجی جهت پاسخ به پرسش تحقیق انجام شده است. مطالعه کتاب‌سنجی شامل تکنیک‌های مختلفی مانند

تحلیل هم‌رخدادی و هم واژگانی بوده است. روش کتاب‌سنجی از یک تکنیک کمی برای بررسی و ارزیابی اسناد موجود استفاده می‌کند. این روش در مطالعات قبلی برای بررسی حوزه‌های مختلفی همچون علوم اطلاعات(مریگو و همکاران[1]، ۲۰۱۸: ۲۴۶)، مطالعات علمی(اشپیگل-روزینگ[2]، ۱۹۷۷)، علوم و علوم اجتماعی(گلنتزل و شوپفلین[3]، ۱۹۹۹)، شرکت‌های با رشد بالا(روچا و فریرا[4]، ۲۰۲۲: ۲۹۱۲)، امنیت غذایی(اکبری، فرورودی، شاه‌مرادی و همکاران[5]، ۲۰۲۲: ۶۶۴)، خروجی علمی دولت‌ها(روبی‌تای و گودین[6]، ۲۰۰۲: ۷۷)، همکاری‌های پژوهشی دانشگاه و صنعت(کالورت و پاتل[7]، ۲۰۰۳: ۸۶)، و پیدایش سیاست‌ها (ژانگ و گوان[8]، ۲۰۲۲: ۴۴۵) به‌کار گرفته شده است.

این تحقیق با رویکرد آمیخته (کیفی-کمّی) انجام شده است.بدین منظور ابتدا رابطه بین ولایت فقیه و حکمرانی اسلامی از طریق تحلیل کتاب‌سنجی بررسی شده است. برای این منظور، از پایگاه داده Scopus استفاده شده است و با جستجوی اصطلاح «ولایت فقیه» به‌عنوان «موضوع اصلی»، در تاریخ ۱۲ فوریه ۲۰۲۵، اسناد بازیابی شدند. در میان بسیاری از پایگاه‌های داده بین‌المللی مانند WoS و Google Scholar، پایگاه دادهScopus به دلیل جامعیت ، پوشش حداکثری و حفظ بالاترین استانداردهای تحقیقاتی استفاده شده است. در مقالات متعدد که تکنیک کتاب‌سنجی را برای بررسی موضوعات مشخص به‌کار می‌گیرند، پایگاه داده Scopus بیشتر مورد استفاده قرار گرفته است. این پایگاه به‌عنوان بنیاد اصلی برای مرورهای کتاب‌سنجی مختلف، در بسیاری از مطالعات که توجه زیادی را در زمینه‌های علمی مختلف جلب کرده‌اند، نقش مرکزی ایفا کرده است (اکبری و همکاران[9]، ۲۰۲۲: ۶۶۴)

در گام بعد نقشه‌های علمی با استفاده از نرم‌افزارهای Bibexcel و Vosviewer ایجاد شدند. سپس جنبه‌های کیفی این رابطه از طریق جمع‌آوری و تحلیل اسناد از پایگاه داده Scopus مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. این پژوهش با استفاده از تحلیل موضوعی و محتوایی در نرم‌افزار

1. Merigó et al
2. Spiegel-Rosing
3. Glänzel & Schoepflin
4. Rocha & Ferreira
5. Akbari, Foroudi, Shahmoradi, et al
6. Robitaille & Godin
7. Calvert & Patel
8. Zhang & Guan
9. Akbari et al

MAXQDA2020 انجام گرفت، که به استخراج الگوها و موضوعات کلیدی مرتبط با این رابطه منجر شد. بر اساس نتایج حاصل از تحلیل نقشه‌های علمی و موضوعی، مدل جامعی برای حکمرانی اسلامی در چارچوب ولایت فقیه ارائه گردید، مدلی که نقش حیاتی علوم اسلامی را در تقویت حکمرانی اسلامی و تأثیرگذاری آن در سطح بین‌المللی به‌طور چشمگیری برجسته می‌کند.

یافته‌های پژوهش

نتایج علم‌سنجی

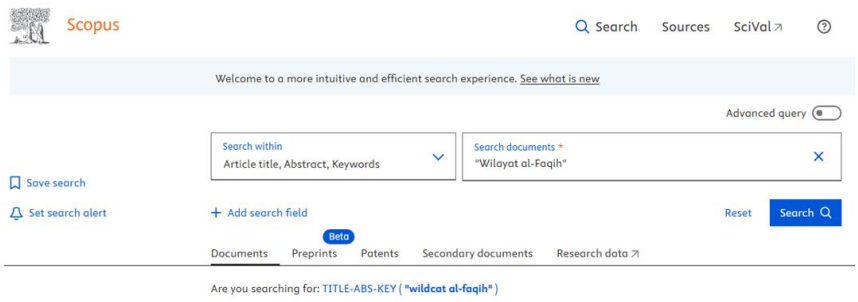
در این بخش گام های طی شده جهت انجام علم سنجی و ترسیم شبکه های هم واژگانی در رابطه با « حکمرانی اسلامی در چارچوب ولایت فقیه»تشریح شده است.

علم سنجی در حوزه حکمرانی اسلامی در چارچوب ولایت فقیه

برای این منظور لازم بود که مهمترین واژگان در این حوزه شناسایی شده و تحلیل مربوطه در این حوزه انجام شود. در گام اول و در ابتدا در پایگاه استنادی Scopus جستجوی حوزه مذکور مطابق زیر انجام شده است:

TITLE-ABS-KEY ("wilayat al-fagih")

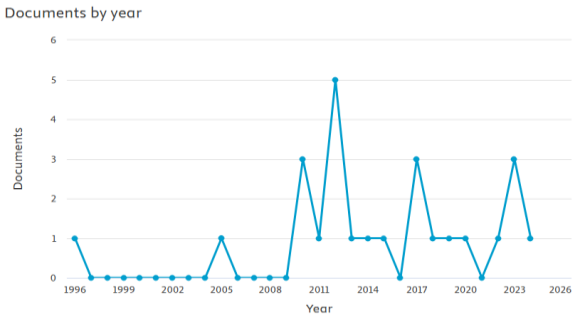
نتایج حاصله در تعداد ۲۵مقاله تا سال ۲۰۲۴ میلادی بوده است که از این پایگاه بازیابی شده است. در ادامه به تحلیل نتایج به دست آمده پرداخته شده است.



شکل(۲) استراتژی جستجو درپایگاه داده ای اسکوپوس و تعداد اسناد

لازم به ذکر است تمامی داده‌های کمی مربوط به نمودارها و اشکال از پایگاه Scopus استخراج شده است. اطلاعات تحلیل‌شده شامل روند انتشارات، نویسندگان و کشورهای برتر و

نوع اسناد، با استفاده از ابزارهای VOSviewerو BibExcel پردازش و تحلیل شده است.تعداد مدارک منتشر شده در دنیا در این حوزه و روند آن در شکل زیر نشان داده شده است. همانگونه که در شکل زیر مشخص است، روند تولید مدارک در این حوزه در سال‌های اخیر به صورت نمایی رشد پیدا نموده است که نشان‌دهنده میزان اهمیت این حوزه می‌باشد.



شکل(۳) تعداد و روند مدارک منتشر شده در دنیا در حوزه « ولایت فقیه »

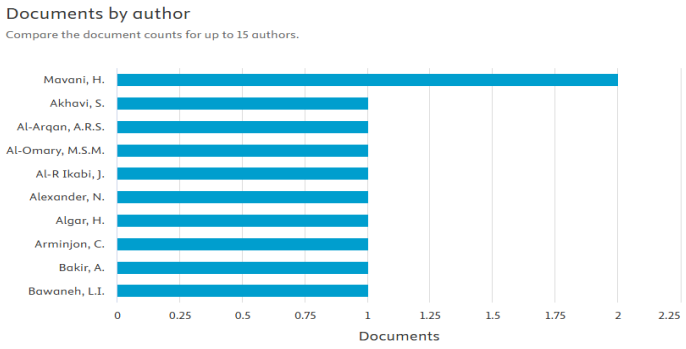
جدول (۲) تعداد و روند مدارک منتشر شده دردنیا در حوزه « ولایت فقیه »

سال	اسناد
2024	1
2023	3
2022	1
2021	0
2020	1
2019	1
2018	1
2017	3
2016	0
2015	1
2014	1
2013	1
2012	5
2011	1
2010	3
2009	0
2008	0
2007	0
2006	0
2005	1
2004	0
2003	0
2002	0
2001	0

جدول (۲) تعداد و روند مدارک منتشر شده دردنیا در حوزه « ولایت فقیه »

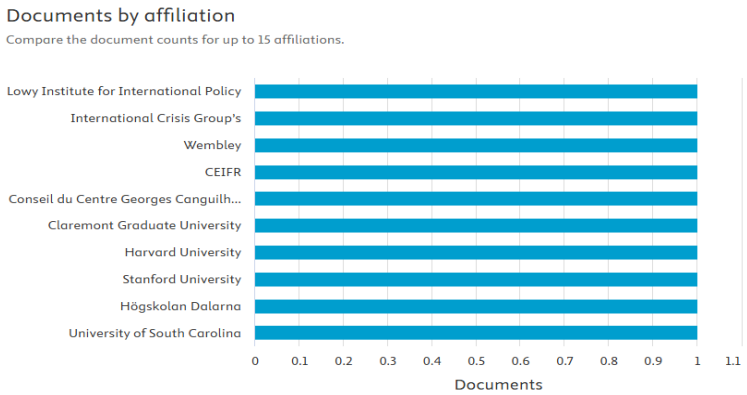
سال	اسناد
2000	0
1999	0
1998	0
1997	0
1996	1

نویسندگان این حوزه در جهان، با بیشترین تعداد مدرک منتشر شده (۱۰ نویسنده برتر) در شکل زیر نشان داده شده است.



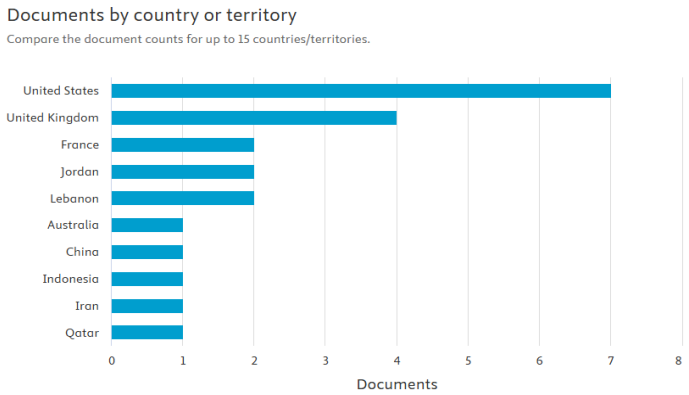
شکل(۴) نویسندگان برتر در حوزه « ولایت فقیه »در دنیا

همچنین ۱۰ موسسه/دانشگاه/مرکز تحقیقاتی در دنیا که بیشترین تعداد مدارک را در این زمینه منتشر نموده‌اند در شکل زیر نشان داده شده است.

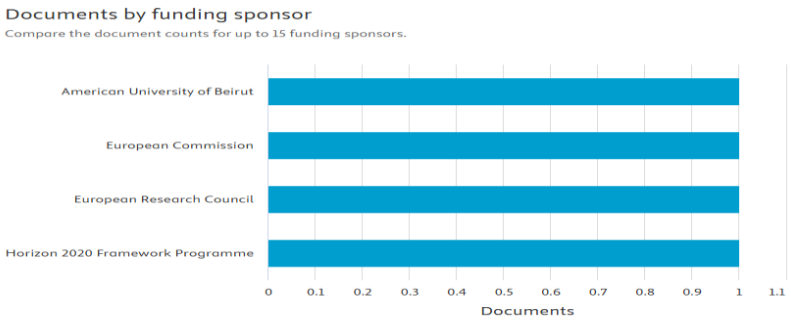


شکل(۵) نهادهای برتر دنیا در حوزه « ولایت فقیه »

وضعیت رتبه‌بندی کشورهای دارای بیشترین مدرک منتشر شده در جهان نیز در شکل زیر نشان داده شده است. همانگونه که مشخص است کشورهای آمریکا،بریتانیا و فرانسه ، در صدر این رتبه‌بندی قرار دارند ایران رتبه نهم جهان را در این حوزه کسب کرده است که قابل تامل می‌باشد.



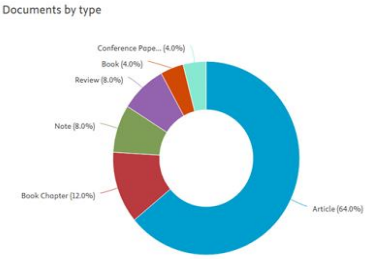
شکل(۶) کشورهای دارای بیشترین مدرک منتشر شده در جهان در حوزه « ولایت فقیه »



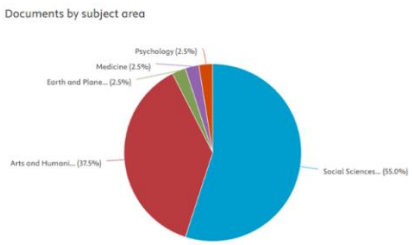
شکل(۷) نهادهای حامی و اسپانسر هادر حوزه مطالعات «ولایت فقیه » در جهان

وضعیت نوع مدارک منتشر شده (مقاله ژورنال) در دنیا و همچنین درصد مدارک مربوطه در این حوزه نیز در شکل زیر نشان داده شده است.

نوع مدارک منتشر شده در حوزه‌های موضوعی مختلف نیز در نمودار زیر نشان داده شده است. همانگونه که در شکل زیر نشان داده شده است، «مقالات» بیشترین میزان مدارک را در این حوزه به خود اختصاص داده‌اند و گروه علوم اجتماعی بیشترین مدارک مربوط به این حوزه را منتشر کرده اند.



شکل(۸) وضعیت مدارک منتشر شده جهان در حوزه «ولایت فقیه »

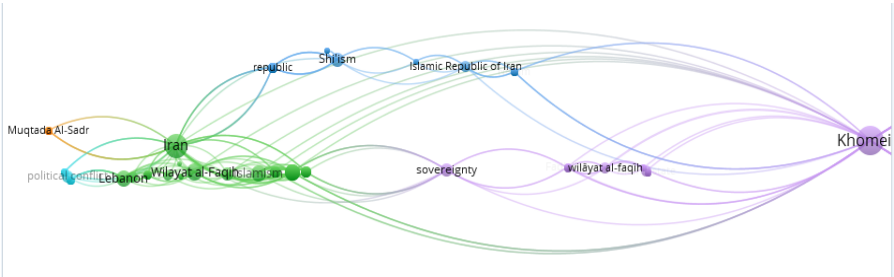


شکل(۹) حوزه‌های موضوعی مدرک منتشر شده در جهان در «ولایت فقیه »

ترسیم ساختار و شبکه‌های هم واژگانی در حوزه موضوعی «ولایت فقیه»

در این قسمت لغات موجود در مدارک استخراج و مرتبط‌ترین واژگان از میان آن‌ها جهت نمایش در شبکه انتخاب شده‌اند. اینکار باعث می‌شود که لغاتی که اهمیت کمتری در این مدارک دارند، حذف شده و شبکه نیز فقط بر روی نمایش لغات مهم در این حوزه متمرکز شود.

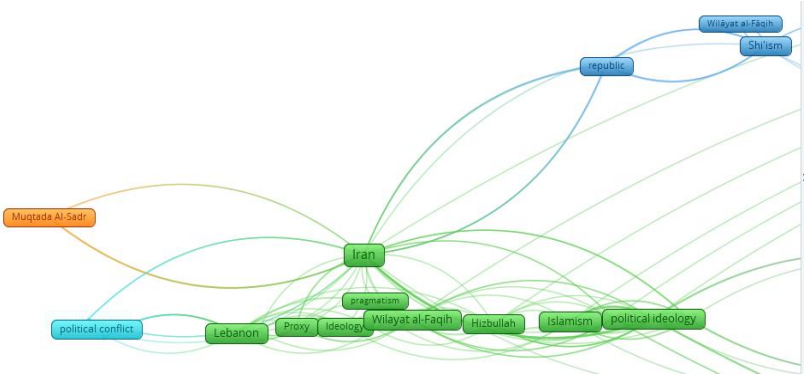
در گام بعدی لازم است خروجی به دست آمده از نرم افزار Bibexcel را وارد نرم افزار VOSViewer نماییم و تحلیل های مربوطه را انجام دهیم. اولین خروجی که از این نرم افزار به‌دست آمده است مطابق شکل زیر است. کوچک یا بزرگ بودن دایره ها در شکل زیر نشان دهنده این موضوع است که در حوزه «ولایت فقیه»، چه میزان هر واژه تکرار شده است.



شکل(۱۰) شبکه هم واژگانی در حوزه « ولایت فقیه»

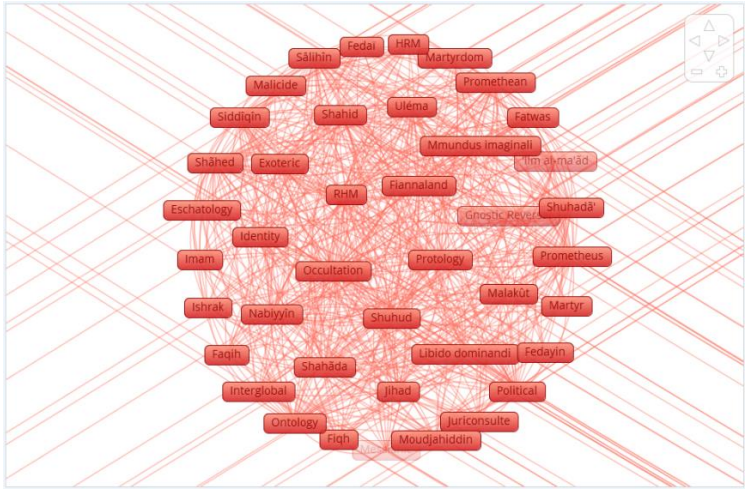
شکل(۱۰)، شبکه هم‌رخدادی مفاهیم کلیدی در حوزه «ولایت فقیه» را نمایش می‌دهد که بر اساس هم‌استفادگی اصطلاحات در اسناد علمی ترسیم شده است. خوشه‌بندی رنگی نشان‌دهنده

گروه‌بندی مفهومی مانند پیوند بین «ایران» و «ولایت فقیه» با گفتمان مقاومت، ارتباط «جمهوری اسلامی» با «شیعه»، و مرکزیت مفهومی «خمینی» در ساختار ایدئولوژیک حکمرانی اسلامی است.



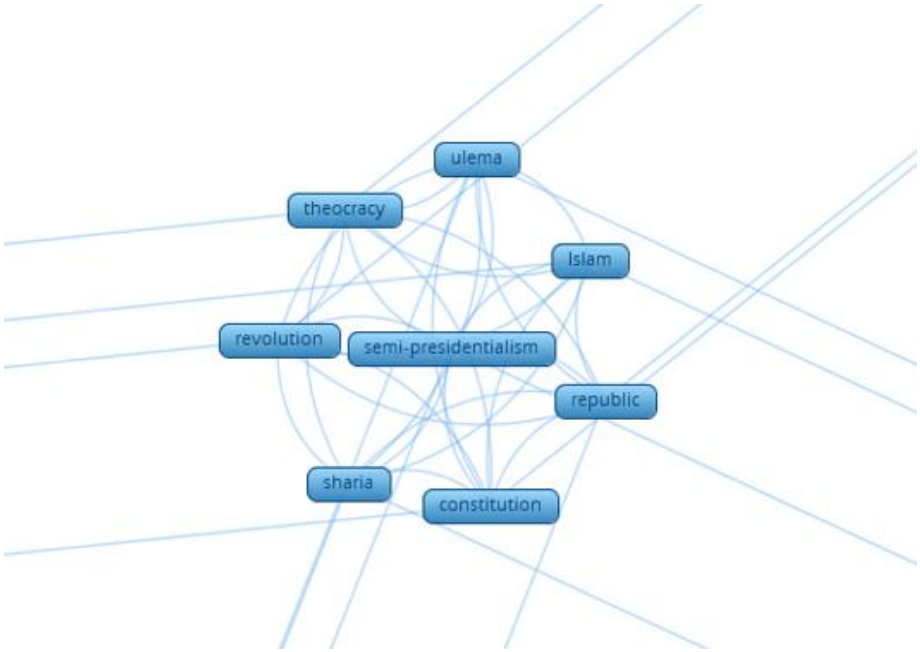
شکل(۱۱) شبکه هم واژگانی در حوزه « ولایت فقیه»

شکل (۱۱) شبکه هم‌رخدادی مفاهیم کلیدی با محوریت «ایران» را نشان می‌دهد که به‌عنوان گره مرکزی، پیوندهای نظری و عملی با مفاهیمی چون «ولایت فقیه»، «ایدئولوژی سیاسی»، «اسلام‌گرایی» و «حزب‌الله» ایجاد کرده است. ارتباطات چندجهته ایران با حوزه‌هایی نظیر «لبنان» و «شیعه» بیانگر نقش این کشور در گسترش و تبیین گفتمان ولایت فقیه در سطح منطقه‌ای و ایدئولوژیک است.



شکل(۱۲)شبکه هم واژگانی در حوزه « ولایت فقیه»

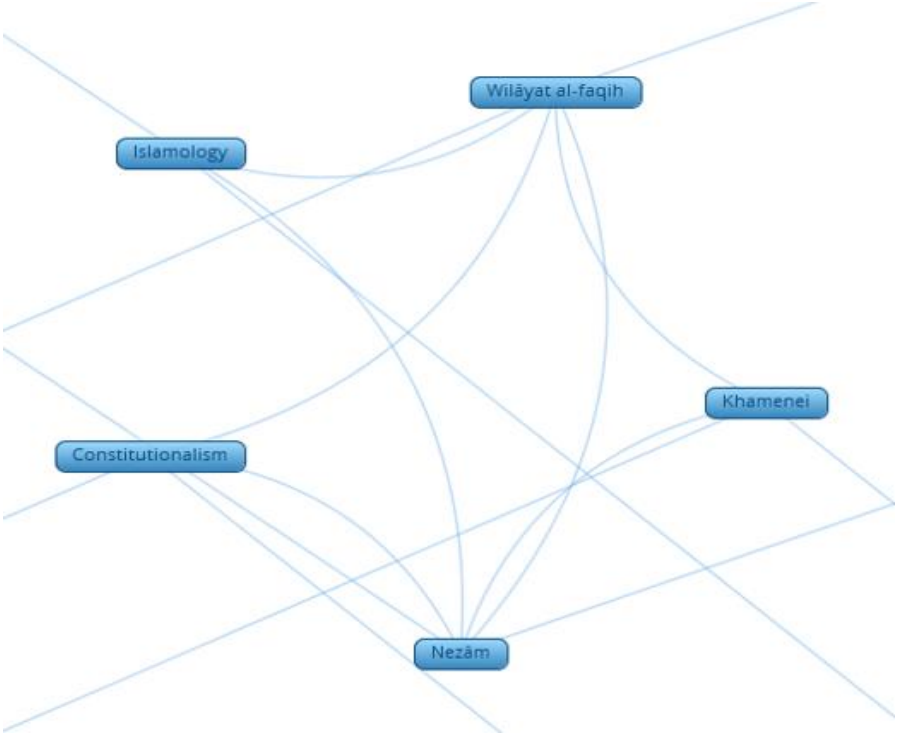
شکل(۱۲) یک شبکه هم‌واژگی متراکم را نشان می‌دهد که در آن مفاهیم دینی، فقهی و ایدئولوژیک مرتبط با گفتمان «ولایت فقیه» و اندیشه سیاسی اسلامی به‌شدت با یکدیگر پیوند خورده‌اند. تراکم بالا و خطوط متعدد بیانگر تنیدگی مفاهیم کلیدی همچون «فقیه»، «شهادت»، «جهاد»، «غیبت»، «شهید» و «فتوا» است که به‌صورت هم‌زمان در متون علمی یا ایدئولوژیک ظاهر شده و ساختار مفهومی یکپارچه و پیچیده‌ای را شکل می‌دهند.



شکل(۱۳) شبکه هم واژگانی در حوزه « ولایت فقیه»

این تصویر شبکه‌ای از مفاهیم سیاسی- حقوقی مرتبط با ساختار حکمرانی اسلامی را نشان می‌دهد که حول محور «نیمه‌ریاستی»[1] و پیوند آن با عناصر ایدئولوژیک و حقوقی شکل گرفته است. ارتباط نزدیک میان «فقها»، «شریعت»، «قانون اساسی»، «جمهوری» و «انقلاب» بیانگر هم‌پوشانی نظری و نهادی میان سنت فقهی و ساختارهای مدرن حکومتی در چارچوب تئوکراسی اسلامی است.

1. (semi-presidentialism)



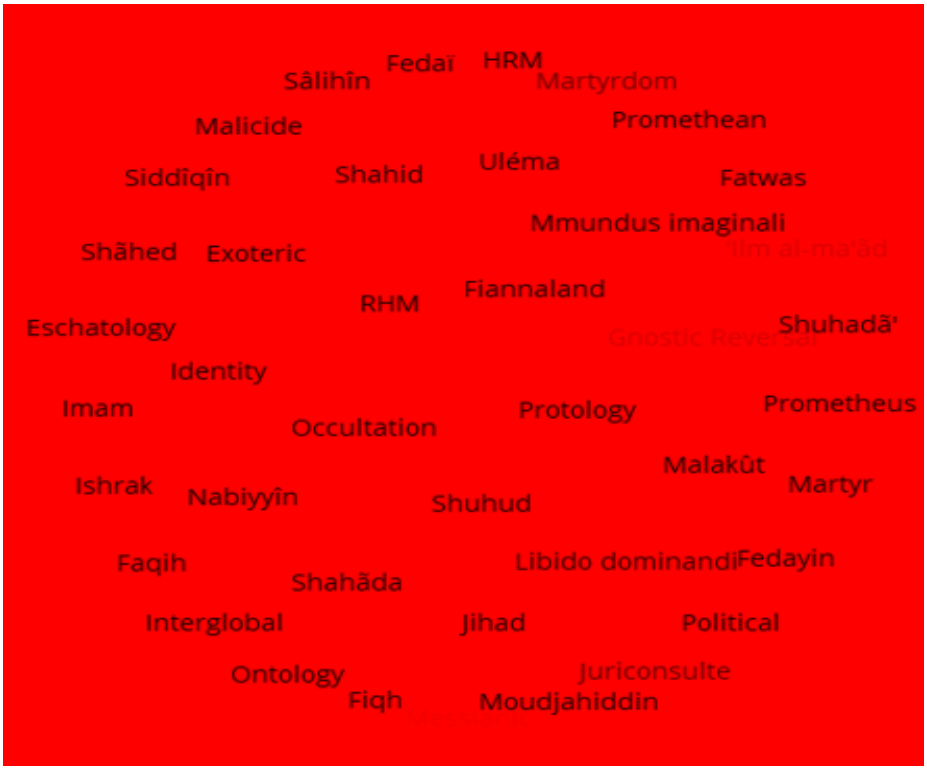
شکل(۱۴) شبکه هم واژگانی در حوزه « ولایت فقیه»

شکل(۱۴) شبکه‌ای از مفاهیم کلیدی پیرامون «ولایت فقیه» را نشان می‌دهد که با سه محور اصلی پیوند دارد:

- اسلام‌شناسی[1] به‌عنوان چارچوب معرفتی و نظری.
- مشروطه‌گرایی[2] به‌عنوان بستر حقوقی- ساختاری.
- رهبری فردی در نظام سیاسی (نمونه‌ی «امام خامنه‌ای») به‌عنوان مصداق اجرایی.

گره مرکزی «نظام» حلقه اتصال این حوزه‌هاست که بیانگر ادغام مبانی فکری، ساختار قانونی و رهبری شخصی در شکل‌گیری و تداوم ساختار حکومتی تحت ولایت فقیه است.

1. Islamology
2. Constitutionalism

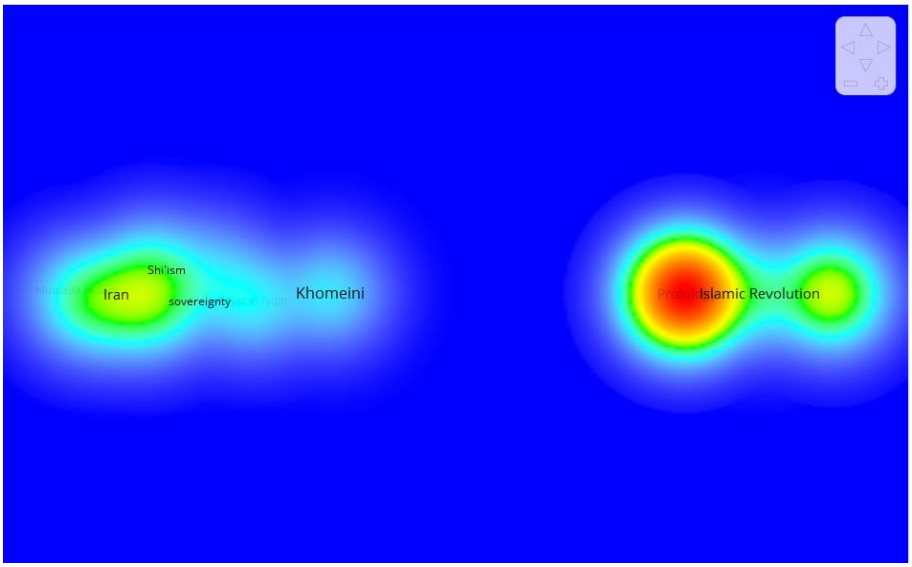


شکل(۱۵) قسمت مرکزی نمودار حرارتی در حوزه « ولایت فقیه »

شکل(۱۵) ابرواژه‌ای از ترکیب مفاهیم دینی، فلسفی، ایدئولوژیک و حتی نمادین سیاسی است که همگی حول محور «شهادت» و «فقه جهادی» می‌چرخند.

از یک‌سو واژه‌هایی مثل فقیه، فقه، فتوا و علما بعد شرعی و حوزوی را به تصویر می کشند، از سوی دیگر مفاهیمی چون جهاد، فدایی، مجاهدین رنگ و بوی انقلابی و کنش‌گرانه می‌دهند.

در کنار آن‌ها، اصطلاحاتی مثل اسکاتولوژی (آخرت‌شناسی)، پروتولوژی (آغازشناسی)، عالم مثال و ملکوت بعد عرفانی و معنوی را تقویت می‌کنند. این هم‌نشینی نشان می‌دهد که گفتمان شهادت در این مجموعه نه تنها یک آموزه دینی، بلکه شبکه‌ای از معناست که فقه، فلسفه، عرفان و ایدئولوژی سیاسی را به هم پیوند می‌دهد.



شکل(۱۶) قسمت داغ نمودار حرارتی شبکه هم واژگانی در حوزه «ولایت فقیه»

شکل (۱۶) تصویری جامع ازنمودار حرارتی این تحلیل علم سنجی را نشان می دهد.این نمودار حرارتی دو خوشه اصلی را در بطن خود دارد: نخست محور «ایران ،تشیع ، حاکمیت» با پیوند به حضرت امام خمینی (ره) که بُعد هویتی و مشروعیت دینی-سیاسی را می‌سازد؛ دوم، محور «پروتو و انقلاب اسلامی» با اوج تراکم مفهومی که به مراحل آغازین و شکل‌گیری انقلاب مربوط است. فاصله این دو خوشه بیانگر تمایز بین بستر هویتی و رخداد انقلابی است، در حالی که شخصیت امام خمینی (ره) پلی میان این دو قلمرو ایجاد می‌کند.

در ادامه پژوهش و براساس مطالعات علم سنجی انجام شده و به منظور ارائه یک دسته‌بندی جامع از حکمرانی اسلامی در چارچوب ولایت فقیه ، و بر اساس تحلیل محتوایی اسناد در نرم افزار MAXQDA2020 یافته ها ارائه می شود. با توجه به کلیدواژه‌هایی که ارائه شده است و تحلیل کلاستر های ، دسته‌بندی زیر با رویکرد تحلیل محتوا می‌تواند تصویر کاملی را در این حوزه موضوعی به دست دهد. در ادامه جداول کد گذاری و خروجی های تحلیل محتوا از نرم افزار MAXQDA2020 ارائه شده است:

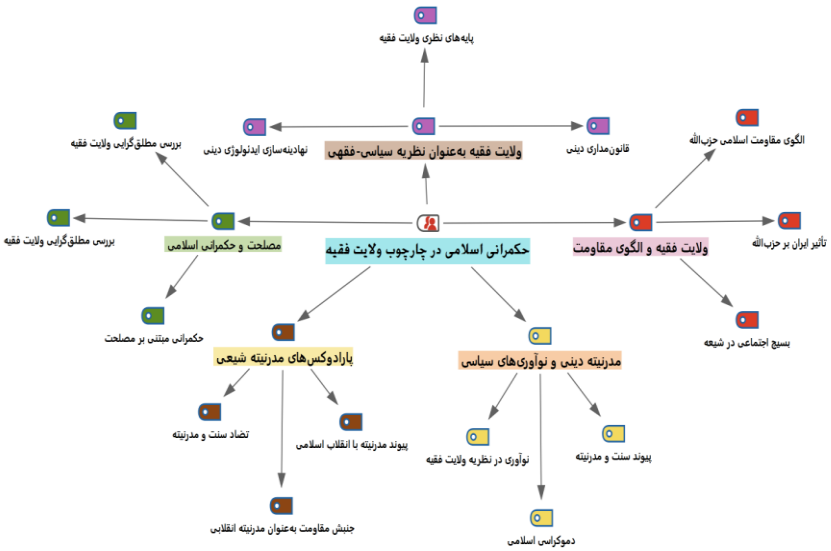
جدول(۳) کد گذاری اسناد با روش تحلیل محتوا

کد گزینشی	کد محوری	کد باز	منبع
ولایت فقیه و ایدئولوژی مقاومت	تأثیر ایران بر حزب‌الله	– حمایت مالی و نظامی ایران و ارائه چارچوب فقهی برای حزب‌الله در راستای مشروعیت‌بخشی به مقاومت.	(ساعولی، ۲۰۱٤)، (باکر، ۲۰۲۳)
		– انتقال مفاهیم ولایت فقیه به حزب‌الله و تأثیر آن بر شکل‌گیری شبکه مقاومت اسلامی.	(۲۰۱۷) (ویمبرلی، ۲۰۱۵)، (شاناهان، ۲۰۱۷)
	الگوی مقاومت اسلامی حزب‌الله	– استفاده حزب‌الله از آموزه‌های ولایت فقیه برای مشروعیت‌بخشی به مبارزه مسلحانه علیه اسرائیل و چارچوب‌بندی مقاومت در قالب دینی و سیاسی.	(باکر، ۲۰۲۳)، (حرب و لیندرز، ۲۰۰۵)
		– تلفیق ارزش‌های دینی با مقاومت اجتماعی و نظامی برای بسیج مسلحانه و حفظ انسجام شیعی.	(زریک و همکاران، ۲۰۲٤)، (اسرائیلی، ۲۰۱۷)
	بسیج اجتماعی در شیعه	– نقش علما و روحانیون شیعه در بسیج اجتماعی و انگیزش مقاومت در جوامع تحت سلطه.	(براورز، ۲۰۱۲)، (زریک و همکاران، ۲۰۲٤)
مدرنیته دینی و نوآوری‌های سیاسی	پیوند سنت و مدرنیته	– ادغام آموزه‌های سنتی شیعی با الزامات مدرنیته مثل حاکمیت قانون، عدالت اجتماعی و ارتباط با جریان‌های جهانی.	(اخاوی، ۱۹۹٦)، (آرمینجون، ۲۰۱۰)
		– رویکرد اصلاحی نظریه ولایت فقیه در تقابل با فشارهای مدرنیته و تحولات سیاسی معاصر.	(الگار، ۲۰۱۲)، (براورز، ۲۰۱۲)
	دموکراسی اسلامی	– مفهوم دموکراسی اسلامی بر پایه این دیدگاه شکل گرفته است که مشارکت مردمی و تصمیم‌گیری جمعی باید با اصول دینی پیوند خورده باشد.	(الرکابی، ۲۰۱۲)، (کریلوف، ۲۰۲۲)

کد گزینشی	کد محوری	کد باز	منبع
		– ارائه یک مدل ترکیبی از دموکراسی و ولایت فقیه که تعامل میان شیوه‌های دموکراتیک مدرن و سنت‌های اسلامی را ممکن می‌سازد.	(شاناهان، ۲۰۱۷)، (ماوانی، ۲۰۱۱)
	نوآوری در نظریه ولایت فقیه	– بازتعریف ولایت فقیه با توجه به چالش‌های سیاسی، اجتماعی و فقهی پس از انقلاب اسلامی ایران و تطبیق آن با نیازهای حکمرانی معاصر.	(ماوانی، ۲۰۱۳)، (مائوریلو، ۲۰۱۹)
		– بررسی تحولات نظری ولایت فقیه از دوره امام خمینی تا رهبران معاصر در جهت هماهنگ‌سازی با نهادهای دموکراتیک و الزامات مدرنیته.	(ثابت، ۲۰۱٤)، (الگار، ۲۰۱۲)
ولایت فقیه به‌عنوان نظریه سیاسی–فقهی	قانون‌مداری دینی	– مفهوم قانون‌مداری دینی بر اساس فقه شیعی که تمامی قوانین حکومتی باید بر پایه آموزه‌های اسلامی تنظیم شوند.	(حکیم، ۲۰۱۸)، (اخاوی، ۱۹۹٦)
		– تأکید بر تطبیق اصول فقهی ولایت فقیه با قانون اساسی و ساختارهای اداری حکومتی.	(مائوریلو، ۲۰۱۹)، (ماوانی، ۲۰۱۱)
	نهادینه‌سازی ایدئولوژی دینی	– تلاش برای ایجاد یک سیستم سیاسی بر پایه ایدئولوژی ولایت فقیه که ساختارهای حکومتی و اجتماعی را به ارزش‌های دینی پیوند دهد.	(شاناهان، ۲۰۱۷)، (ثابت، ۲۰۱٤)
		– استفاده از ابزارهای فرهنگی و سیاسی برای نهادینه‌سازی ایدئولوژی دینی در میان مردم و نهادهای دولتی.	(باکر، ۲۰۲۳)، (حکیم، ۲۰۱۸)

کد گزینشی	کد محوری	کد باز	منبع
	پایه‌های نظری ولایت فقیه	– بررسی اصول اولیه ولایت فقیه شامل ولایت عامه و ولایت مطلقه فقیه در فقه شیعه و تأثیر آن در ساختار قدرت سیاسی.	(براورز، ۲۰۱۲)، (الگار، ۲۰۱۲)
		– تحلیل تطورات تاریخی و فلسفی ولایت فقیه و تطابق آن با مفاهیم مدرنیته مثل حاکمیت قانون و مردم‌سالاری.	(ماوانی، ۲۰۱۳)، (حرب و لیندرز، ۲۰۰۵)
مصلحت و حکمرانی اسلامی	مصلحت در فقه سیاسی	– استفاده از مفهوم مصلحت در تصمیم‌گیری سیاسی و تفسیر آن به‌عنوان ابزاری برای توجیه اقدامات حکومتی در چارچوب ولایت فقیه.	(الکساندر، ۲۰۱۷)، (العرقان و العمری، ۲۰۲۳)
	حکمرانی مبتنی بر مصلحت	– تعریف مصلحت به‌عنوان مبنای سیاست‌گذاری عمومی و ابزاری برای انطباق حکومت دینی با نیازهای معاصر.	(حکیم، ۲۰۱۸)، (مائوریلو، ۲۰۱۹)
	بررسی مطلق‌گرایی ولایت فقیه	– تفسیر قدرت مطلق ولایت فقیه در پیوند با مصلحت و ارزیابی محدودیت‌های این دیدگاه در پاسخ به چالش‌های اجتماعی.	(کاظم، ۲۰۱۰)، (ماوانی، ۲۰۱۳)
پارادوکس‌های مدرنیته شیعی	جنبش مقاومت به‌عنوان مدرنیته انقلابی	– مقاومت اسلامی به‌عنوان شکلی از مبارزه مدرن که سنت‌های شیعی را با الزامات سیاسی و اجتماعی مدرنیته پیوند زده است.	(براورز، ۲۰۱۲)، (حرب و لیندرز، ۲۰۰۵)
	پیوند مدرنیته با انقلاب اسلامی	– انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان نمونه‌ای از تلفیق مدرنیته سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با اصول شیعی.	(کوربان، ۲۰۱۰)، (زریک و همکاران، ۲۰۲٤)

کد گزینشی	کد محوری	کد باز	منبع
	تضاد سنت و مدرنیته	- بررسی چالش‌ها و تناقضات میان سنت‌های دینی و نیازهای مدرنیته در جوامع اسلامی، خصوصاً در نظریه ولایت فقیه.	(الگار، ۲۰۱۲)، (ثابت، ۲۰۱۴)



شکل(۱۷) الگوی نهایی پژوهش خروجی نرم افزار MAXQDA2020



شکل(۱۸) نمودار ابری خروجی نرم افزار MAXQDA2020



شکل(۱۹)الگوی نهایی تحقیق « حکمرانی اسلامی در چارچوب ولایت فقیه»

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

ولایت فقیه، به عنوان یک نظام الهی و اخلاق‌محور، همواره بر بهبود رفاه امت اسلامی از طریق ترویج ارزش‌ها و اصول اخلاقی تأکید داشته است. وظیفه اصلی ولی فقیه ایجاد محیطی مناسب و نیکو برای زندگی مردم بر پایه فضایل اخلاقی و اصول اسلامی است. این نوع رهبری با الهام از آموزه‌های قرآنی و سنت پیامبر اکرم (ص)، به دنبال سازگاری میان ارزش‌های انسانی و الهی است و تلاش می‌کند که جامعه‌ای مبتنی بر عدالت، صداقت و تعالی اخلاقی ایجاد کند. ماموریت یک رهبر اسلامی، فراتر از مدیریت سیاسی و اقتصادی است و به دنبال ایجاد محیطی است که روابط اجتماعی،اقتصادی، فرهنگی و فردی را در راستای اهداف تعالی‌بخش اسلام قرار

دهد(حسینی نیا و بختیاری،۱۴۰۲). این امر با تاکید بر قرآن به‌عنوان منبع اصلی هدایت و حضرت محمد (ص) به‌عنوان الگوی کامل رهبری انجام می‌شود. قرآن کریم، در توصیف پیامبر (ص) می‌فرماید:

"وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ"(القلم: ۴)

"وَ به‌راستی که تو (محمد) بر اخلاقی عظیم آراسته‌ای."

این آیه نقش اخلاق و فضایل والای انسانی در رهبری اسلامی را به‌عنوان شاخصی راهبردی برای حاکمان و رهبران مشخص می‌کند.

از رفتار و شیوه حکمرانی پیامبر اکرم (ص) و رهبران اولیه اسلام، پنج ویژگی بنیادین به‌عنوان اصول اساسی رهبری اسلامی قابل شناسایی است که باید سرلوحه هر رهبر مسلمان قرار گیرد:

تقوا: اساس رهبری اسلامی، آراستگی به تقوای الهی است که شامل دوری از ظلم، فساد و هرگونه انحراف از آموزه‌های دینی می‌باشد. رهبر باید همواره در مسیر خداوند گام بردارد و تصمیمات خود را بر پایه عدالت و پرهیزگاری بنا کند.

فروتنی: رهبران اسلامی موظف‌اند با مردم به‌صورت ساده رفتار کنند. فروتنی از صفات برجسته پیامبر اکرم (ص) بود و این ویژگی، ارتباط میان رهبر و مردم را تقویت می‌کند.

مسئولیت اجتماعی: رهبران در قبال رفاه عمومی و عدالت اجتماعی مسئولیت دارند. آنان باید به محرومان خدمت کرده، فرصت‌ها را به عدالت توزیع کنند و برابری را میان اعضای جامعه برقرار سازند.

خودسازی: یک رهبر اسلامی باید ابتدا خود را به فضایل اخلاقی و ایمانی آراسته کند تا بتواند الگویی شایسته برای جامعه باشد. خودسازی بخشی اساسی از فرآیند رهبری اسلامی است.

مشارکت: ارتباط مداوم با مردم و جلب مشارکت آنان در تصمیم‌گیری‌ها، از عناصر کلیدی رهبری در نظام اسلامی است. رهبران باید بستر گفت‌وگو و همکاری میان دولت و مردم را تقویت کنند. این ویژگی‌ها از آموزه‌های قرآنی و سیره عملی پیامبر اکرم (ص) استخراج شده‌اند و شاخص‌هایی بنیادین برای سنجش و هدایت رهبری مدرن در جوامع اسلامی ارائه می‌کنند(حسینی‌نیا و بختیاری، ۱۴۰۲: ۲۷).

مدل رهبری اسلامی، برخاسته از اصول اخلاقی قرآن کریم و تعهد رهبر به تسلیم در مقابل اراده الهی است. این مدل، رفتار رهبر را نه تنها به عنوان مدیر یک جامعه انسانی، بلکه به عنوان یک مبلغ دینی و نماینده خداوند بر زمین تعریف می‌کند. پیامبر اکرم (ص) نمونه کاملی از این الگو است، و رفتار و تصمیمات او در قالب حکومت نبوی، مدلی برای رهبران مسلمان در تمام دوران‌ها قرار گرفته است. به تعبیر حسینی‌نیا، بختیاری و محمدی (۱۴۰۲)، از تحلیل رفتار حضرت محمد (ص) اصول بنیادین رهبری در اسلام ترسیم می‌شود که نه تنها چارچوبی برای مدیریت دینی جامعه ارائه می‌دهد، بلکه به‌عنوان الگویی برای مواجهه با چالش‌های مدرن نیز مطرح است.

با بررسی مفاهیم ولایت فقیه، این نتیجه حاصل می‌شود که این نظریه انعکاسی از آن مدل رهبری است که بر اخلاق و آموزه‌های اسلامی مبتنی است. بر اساس یافته های تحقیق ،محورهای کلیدی این نظریه شامل:

ایدئولوژی مقاومت: جایی که رهبر جامعه اسلامی، مقاومت در برابر ظلم و ستم را براساس آموزه‌های دینی هدایت می‌کند.

مدرنیته دینی: تلاش برای تلفیق ارزش‌های سنتی اسلام با نیازهای دنیای مدرن.

نظریه سیاسی-فقهی: تاکید بر حاکمیت قوانین شریعت به‌عنوان مبنای تمام تصمیم‌گیری‌ها.

اصل مصلحت: استفاده از مصلحت برای سازگاری میان اهداف دینی و ملاحظات مدرن.

تعامل با پارادوکس‌های مدرنیته: مدیریت چالش‌های میان سنت و الزامات مدرنیته.

همسو با نتایج تحقیق حاضر یافته‌های پژوهش (حسینی‌نیا، بختیاری و محمدی، ۱۴۰۲) نشان می‌دهد ولایت فقیه چارچوبی جامع از حکمرانی اسلامی را ارائه می‌دهد و ظرفیت‌های گسترده‌ای برای مواجهه با چالش‌های مدرن دارد. این ویژگی‌ها، نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری نظریه ولایت فقیه در مواجهه با نیازها و چالش‌های جدید است. به عبارتی، این نظریه الگویی پویا از حکمرانی دینی ارائه می‌دهد که توانسته است بین عدالت، مردم‌سالاری دینی و اعتقاد به ارزش‌های الهی پیوندی کاربردی ایجاد کند. رفتار پیامبر اکرم (ص) و رهبران اولیه اسلام، نشان‌دهنده این است که اصول اخلاقی و دینی، اساس و زیربنای رهبری اسلامی را تشکیل می‌دهند. این اصول، چه در قالب رهبری پیامبر (ص) و چه در مدل ولایت فقیه، به‌عنوان چارچوبی برای پیاده‌سازی عدالت،

همکاری و پیشرفت جامعه شکل گرفته‌اند و ولی فقیه با تأکید بر تقوا، فروتنی، مشارکت مردمی و مسئولیت اجتماعی، ظرفیت آن را دارد که نه تنها هدایت امت اسلامی را بر عهده گیرد، بلکه کارآمدی خود را در مدیریت جهان مدرن نیز اثبات کند.

همچنین براساس پژوهش‌های دیگر ساعولی(۲۰۱۹)، باکر(۲۰۱۷) این ایدئولوژی به بسیج اجتماعی و مقابله با سلطه‌طلبی در قالب آموزه‌های دینی تبدیل شده است.بعلاوه مطالعات نشان می‌دهند که نظریه ولایت فقیه تلاش کرده است تا ارزش‌های اسلامی را با مفاهیم مدرن سیاسی از جمله حاکمیت قانون و دموکراسی تلفیق کند (حسینی‌نیا و بختیاری، ۱۴۰۲؛ اخاوی، ۲۰۰۳) . این رویکرد در پی آن است که با بازتعریف روابط مردم و حکومت، مدلی از مردم‌سالاری دینی ارائه دهد. مردم‌سالاری دینی مبتنی بر ولایت فقیه، نقطه پیوند میان مدرنیته سیاسی و اصول ارزش‌های اسلامی است و می تواند در ایران به تثبیت حاکمیت دینی کمک کند. بر اساس نتایج پژوهش حاضر نظریه ولایت فقیه به‌عنوان یک مدل سیاسی-فقهی، بر ارتباط مستقیم میان آموزه‌های فقهی و سیاست‌گذاری عمومی تاکید دارد. در این پارادایم، تمامی قوانین و تصمیمات حکومتی باید هماهنگ با شریعت اسلامی باشند.بعلاوه چارچوب فقهی ولایت فقیه این امکان را فراهم می‌سازد تا نظام حکومتی، پاسخگوی تحولاتی همچون مدرنیزاسیون یا جهانی‌سازی باشد، در حالی که همچنان انسجام دینی و عدالت اجتماعی حفظ شود. همچنین یافته های تحقیق نشان داد، اصل مصلحت یکی از مفاهیم کلیدی در فقه سیاسی شیعه است که در ولایت فقیه کاربردی بنیادین دارد. اصل مصلحت ابزاری است که ولی‌فقیه از آن برای هماهنگی میان اهداف حکومتی و نیازهای جامعه استفاده می‌کند. این اصل به دولت امکان می‌دهد که حتی در شرایط استثنائی، رویکردی کاملاً منطبق بر عدالت و شریعت ارائه دهد(حکیم، ۲۰۲۰؛ حسینی‌نیا و بختیاری، ۱۴۰۲). از این منظر، اصل مصلحت نه تنها زمینه‌ساز انعطاف در تصمیم‌گیری سیاسی است، بلکه ابزار مهمی برای حل چالش‌های ناشی از الزامات مدرن به شمار می‌رود.از طرفی ولایت فقیه به‌طور نظری و عملی توانسته است معادله میان سنت و مدرنیته را مدیریت کند. با وجود چالش‌ها و تضادهای ذاتی میان این دو گفتمان، به‌ویژه در جامعه‌ای که از یک سو خواهان عدالت دینی و از سوی دیگر نیازمند الزامات مدرنیته است، ولایت فقیه راهکارهایی برای تطبیق ارائه می نماید.این

تطابق در انقلاب اسلامی ایران نمود عینی پیدا کرده است و به تعبیر (کوربان، ۲۰۱۰)، سبب شده است که مفاهیمی همچون مردم‌سالاری دینی، مقاومت و اقتصاد اسلامی در فضایی پر از تضادها به‌صورت یکپارچه پیش رود.بر اساس یافته های پژوهش پیشنهادهای زیر ارائه می شود:

- توسعه تحقیقات علم‌سنجی برای ارزیابی کاربرد و موفقیت نظریه ولایت فقیه در جنبه‌های گوناگون حکمرانی و فراهم‌سازی زمینه بهبود در تصمیم‌سازی‌های کلان توصیه می‌شود .
- تقویت پیوند میان سنت و مدرنیته: با محور قرار دادن عدالت اجتماعی و مشارکت عمومی، حکمرانی اسلامی باید به‌طور مستمر ابزارهای حکومتی مدرن را با ارزش‌های دینی تلفیق کند.
- بازتعریف مفاهیم مردم‌سالاری دینی: مباحث حوزه ولایت فقیه لازم است همچنان بر ارائه مدلی از مردم‌سالاری دینی تمرکز داشته باشد تا الزامات بین‌المللی و داخلی را با ارزش‌های اسلامی هماهنگ کند .
- تقویت آموزش اصول دینی–سیاسی: آموزش محورهای بنیادی حکمرانی اسلامی بر اساس ولایت فقیه به نسل‌های جوان، از طریق دانشگاه‌ها و رسانه‌ها، اقدامی ضروری است.
- توجه به عدالت اقتصادی: مباحث ولایت فقیه لازم است به‌صورت واضح‌تری بر عدالت اقتصادی و توزیع عادلانه منابع تمرکز کند، تا از طریق تقویت اقتصاد اسلامی، محرومیت‌زدایی و توسعه پایدار مورد توجه بیشتر قرار گیرد .

Reference

قرآن کریم

Akbari, M., Foroudi, P., Zaman Fashami, R., Mahavarpour, N., & Khodayari, M. (2022). Let us talk about something: The evolution of e-WOM from the past to the future. Journal of Business Research, 149(December 2021), 663–689. https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2022.05.061.

Akhavi, S. (1996). Contending discourses in Shici law on the doctrine of Wilayat Al-faqih. Iranian Studies, 29(3-4), 229–268.

Al-Arqan, A. R. S., & Al-Omary, M. S. M. (2023). Iranian pragmatism under the rule of Al-Faqih. Dirasat: Human and Social Sciences, 50(3), 516–528. https://doi.org/10.35516/hum.v50i3.378.

Alexander, N. (2017). Maslaha as sovereignty: Fadlallah and Khomeini compared. Middle East Law and Governance, 9(1), 89–112. https://doi.org/10.1163/18763375-00901001.

Algar, H. (2012). Response to Browers: Marja'iyyah and Wilayat al-Faqih. Journal of Shi'a Islamic Studies, 5(1), 47–48. https://doi.org/10.1353/isl.2012.0024.

Alikhanzadeh, Alireza, Hosseinpour, Davood, Ghorbanizadeh, Vajhollah, & Rezaei-Manesh, Behrouz. (2022). Dimensions and Components of Governance from the Perspective of Imam Khomeini (RA) with an Approach Based on Public Administration. *Islamic Management*, 30(2), 11–61. https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.22516980.1401.30.2.1.2 [In Persian]

Al-Qazwini, J. K. (1997). The religious establishment in Ithna'ashari Shi'ism: A study in scholarly and political development. University of London, School of Oriental and African Studies (United Kingdom).

Al-R Ikabi, J. (2012). Baqir al-Sadr and the Islamic State: A theory for 'Islamic democracy'. Journal of Shi'a Islamic Studies, 5(3), 249–275. https://doi.org/10.1353/isl.2012.0041

Arminjon, C. (2010). Establishment of "jurist guidance" in Iran: Paradoxes of Shiite modernity [L'instauration de la «guidance du juriste» en Iran: Les paradoxes de la modernité chiite]. Archives de Sciences Sociales des Religions, 149(1), 211–228. https://doi.org/10.4000/assr.21941.

Bakir, A. (2023). Hezbollah's Relation with Iran: The Proxy-Ally Debate and Wilayat al-Faqih's Impact on Hezbollah's Nature, Governance, and Legitimacy. In Rebel Governance in the Middle East (pp. 151–185). Singapore: Springer Nature Singapore.

Browers, M. (2012). Fadlallah and the passing of Lebanon's last Najafi generation. Journal of Shi'a Islamic Studies, 5(1), 25–46. https://doi.org/10.1353/isl.2012.0022.

Calvert, J., & Patel, P. (2003). University-industry research collaborations in the UK: Bibliometric trends. Science and Public Policy, 30(2), 85–96. https://doi.org/10.3152/147154303781780597.

Chehabi, H. E., & Schirazi, A. (2012). The Islamic Republic of Iran. Journal of Persianate Studies, 5(2), 175–204. https://doi.org/10.1163/18747167-12341243.

Courban, A. (2010). Martyrdom - Bearing witness to life or death? [Martyr(e) témoin de vie ou témoin de mort?]. Topique, 113(4), 57–71. https://doi.org/10.3917/top.113.0057.

Glänzel, W., & Schoepflin, U. (1999). A bibliometric study of reference literature in the sciences and social sciences1Parts of this study have been presented at the 5th International Conference on Scientometrics and Informetrics, held in River Forest, Illinois, June 7–10, 1995.1. Information Processing & Management, 35(1), 31–44. https://doi.org/https://doi.org/10.1016/S0306-4573(98)00028-4.

Hakim, S. A. (2018). Islam and government: An analytical review on Khumayni's Kashf al-Asrār and Wilāyat al-Fāqih. Indonesian Journal of Islam and Muslim Societies, 8(1), 147–171. https://doi.org/10.18326/ijims.v8i1.147-171.

Harb, M., & Leenders, R. (2005). Know thy enemy: Hizbullah, 'terrorism' and the politics of perception. Third World Quarterly, 26(1), 173–197. https://doi.org/10.1080/0143659042000322973.

Hosseini-Nia, Gholamhossein, Bakhtiari, Marzieh, & Kafshdooz Mohammadi, Fatemeh. (2023). *Entrepreneurship and Management in an Islamic Context*. Tehran: University of Tehran Institute Publications.[In Persian]

Israeli, R. (2017). Hatred, Lies, and Violence in the World of Islam. Routledge.

Kadhim, A. (2010). Forging a third way: Sistani's marja 'iyya between quietism and wilāyat al-faqīh. In Iraq, democracy and the future of the Muslim world (pp. 80–94). Routledge.

Krylov, G. L. (2022). The Key Features of the Sadrist Movement (At-Tayyar As-Sadri) as a Player in the Political Process in Present-Day Iraq. Novaia i noveishaia istoriia, (1), 179–193.

Mauriello, R. (2019). The wilāyat al-faqih after the revolution. The Vali-ye faqih in the constitution and nezām of the Islamic Republic of Iran [La wilāyat al-faqih después de la Revolución. El vali-ye faqih en la Constitución y el nezām de la República islámica de Irán]. Araucaria, 21(41), 495–513. https://doi.org/10.12795/araucaria.2019.i41.23

Mavani, H. (2011). Ayatullah Khomeini's concept of governance (wilayat al-faqih) and the classical Shi'i doctrine of imamate. Middle Eastern Studies, 47(5), 807–824. https://doi.org/10.1080/00263206.2011.613208.

Mavani, H. (2013). Khomeini's concept of governance of the jurisconsult (wilayat al-faqih) revisited: The aftermath of Iran's 2009 presidential election. Middle East Journal, 67(2), 207–228. https://doi.org/10.3751/67.2.13.

Merigó, J. M., Pedrycz, W., Weber, R., & de la Sotta, C. (2018). Fifty years of Information Sciences: A bibliometric overview. Information Sciences, 432, 245–268.

Robitaille, J.-P., & Godin, B. (2002). Evaluation of governments' scientific output: A bibliometric profile of Canada. Science and Public Policy, 29(1), 59–68. https://doi.org/10.3152/147154302781781119.

Rocha, R. G., & Ferreira, J. J. (2022). Gazelles (High-Growth) Companies: a Bibliometric Science Map of the Field. Journal of the Knowledge Economy, 13(4), 2911–2934. https://doi.org/10.1007/s13132-021-00828-4

Sabet, A. (2014). Wilayat al-Faqih and the meaning of Islamic government.

Saouli, A. (2014). Intellectuals and political power in social movements: The parallel paths of Fadlallah and Hizbullah. British Journal of Middle Eastern Studies, 41(1), 97–116.

Scharbrodt, O. (2020). Khomeini and Muḥammad al-Shīrāzī: Revisiting the Origins of the "Guardianship of the Jurisconsult" (wilāyat al-faqīh). Welt des Islams, 61(1), 9–38. https://www.jstor.org/stable/27108353.

Shanahan, R. (2017). Hizbullah as a regional brand: not all parties are equal. Australian Journal of International Affairs, 71(2), 201–215

Wimberly, J. (2015). Wilayat al-Faqih in Hizballah's Web of Concepts: A Perspective on Ideology. Middle Eastern Studies, 51(5), 687–710.

Zhang, C., & Guan, J. (2022). How policies emerge and interact with each other? A bibliometric analysis of policies in China. Science and Public Policy, 49(3), 441–459. https://doi.org/10.1093/scipol/scab091.

Zreik, M., Yazdani, E., & Caba-Maria, F. (2024). Hezbollah in Lebanon: From Resistance Movement to Political Powerhouse. Contemporary Arab Affairs, 17(3), 371–391.